

اتلاف بزرگ در برابر لایحه «ضد خانواده»

حسین باقر زاده سه شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۸۷ - ۵ اوت ۲۰۰۸

فراخوان (۱) چند تشکل زنان برای تشکیل یک «ائتلاف بزرگ» مرکب از «هر گروه و دسته» با هر ایدئولوژی و مرام، و از هر قوم و مذهب و جنسیتی» برای جلوگیری از تصویب لایحه ای که به حق آن را «ضد خانواده» نامیده اند حرکتی است که از یک سو استیصال جامعه مدنی را از تأمین خواست های ساده و پیش پا افتاده خود به نمایش می گذارد واز سوی دیگر رشد آگاهی و گسترش فرهنگ همبستگی ملی در مسایل حقوق بشری فراسیاسی و فرا ایدئولوژیک را در جامعه ما نوید می دهد. این ائتلاف، در واقع دومین حرکت اجتماعی فراگیر در جامعه ما در سالهای اخیر بشمار می رود، که اولین آن کمپین برای برابری (یک میلیون امضا) بوده است. و این واقعیت که هر دوی این دو حرکت به ابتکار زنان کشور ما شروع شده و رهبری آن نیز به دست آنان است، از یک تحول عمیق تاریخی در جامعه ما حکایت می کند. هم زمان با شروع این حرکت جدید، موج تبلیغاتی شدید علیه فعالان این حرکت ها همراه با حملات شخصی به برخی از نام آوران آنها و به خصوص شیرین عبادی از سوی رسانه های حکومتی به راه افتاده است. این حملات علاوه بر خطرانی که برای این افراد پیش آورده است در عین حال گویای آن است که تا چه حد حاکمیت از سوی این حرکت ها احساس خطر می کند.

خواست های ائتلاف اخیر چیزهای عجیب و غریبی نیستند. اینان می گویند که حکومت نباید به آزادی جنسی خانمان برانداز مردان - و به خصوص مردان متمول- میدان باز بدهد و به رفتار بوالهوسانه آنها مقبولیت قانونی ببخشد؛ نباید با رواج و مشروعت بخشیدن بی قید و شرط به تن خری مردان از طریق سیغه، و حتی عدم لزوم ثبت آن، حیات و آینده زنانی را که تن به چنین معامله ای می دهند و کودکان محصول این معامله را به خطر اندازد؛ و نباید منزلت نازل زن را در خانواده از آن چه که هست پایین تر برد و زنانی را که در چنبره فقر و خشونت و سرکوب خانوادگی اسیر می شوند و راهی برای فرار از آن ندارند مستأصل کرد و آنان را به خود کشی و یا دگر کشی کشاند.

این خواست ها در هر جامعه ای از جهان امروز به سادگی و از طریق بحث و اقناع قابل تعقیب و تحصیل است. ولی در جمهوری اسلامی، کسانی که این خواست ها را پیش می کشند گوش شنوایی نمی یابند تا آنجا که مجبور می شوند برای پیش بردن این خواست های پیش پا افتاده خود به یک ائتلاف بزرگ ملی دست بزنند. اهمیت و ضرورت این ائتلاف را می توان با نگاهی به موج تبلیغاتی که این روزها از سوی رسانه های دولتی زیر مجموعه امپراتوری دوق پرکنی کیهان به راه افتاده است دریافت.

تجربه نشان داده است که وقتی که کیهان و اعوان و انصار آن رهبری یک حمله تبلیغاتی را علیه کسی به دست می گیرند و پرونده سازی را آغاز می کنند، نیروهای امنیتی و قضایی به دنبال آن دست به کار می شوند. حملات اخیر به فعالان زنان طاهرا از سخنرانی پیام فضلی نژاد (۲) که به گزارش ایرنا «چندی پیش» در جمع ۴۰۰ نفره ای در دانشگاه رامین اهواز ایراد شده شروع شده است. در آن سخنرانی، فضلی نژاد که سمت «پژوهشگر مؤسسه کیهان» را یدک می کشد، از فعالیت های مدنی زنان (به خصوص کمپین برای برابری) و بخشی از نیروهای اصلاح طلب و نوآندیشان مذهبی ایران تحت عنوان «شاخص های گذار به جهانی سازی صهیونی» نام برده و اضافه کرده است که در این شرایط «یک بار برای همیشه.... باید دین خود را به انقلاب اسلامی ایران ادا کنیم و در این راه، تنها به دلیران و دریادان انقلابی محتاجیم». او در این سخنرانی مفصل خود از افراد زیادی از شیرین عبادی گرفته تا روحانیانی که به گفته او «توسط رسانه های کمپین آیت الله شده اند» نام می برد و نقش آنان را در این «توطئه صهیونیستی جهانی» توضیح می دهد. لازم به توضیح نیست که در قاموس کسانی که خط سعید امامی و امران و مجریان قتل های زنجیره ای را دنبال می کنند این عبارات چه معنا دارد. به دنبال این زمینه سازی «کیهانی» است که رسانه های دیگر دولتی و از جمله «ایرنا» که اکنون زیر نظر یکی از کیهانیان اداره می شود به موج حملات تبلیغی و دروغ پر کنی علیه فعالان زنان دست می زنند. پخش «خبر» بهایی شدن نرگس توسلیان در کانادا از سوی ایرنا (ایرنا یک خبرگزاری است، ولابد آنچه که پخش می کند «خبر» است» برای تحریک احساسات مذهبی علیه مادر او شیرین عبادی از شکردهای شناخته شده تبلیغات چی های حکومتی است. برای ایشان که هدف وسیله را توجیه می کند و مکر و خدعه و دروغ در برابر کافران

ادامه مطلب **مهرنهاد، قربانی قصاص...** از صفحه ۲۵

باطل خشونت و انتقام در جامعه ما اوج می گیرد و قربانیان بیشتری را می بلعد. اسیر کشی چه به صورت محدود آن به دست امثال جنده الله و چه به شکل گسترده و نامحدود آن به دست جمهوری اسلامی جنایت است و باید محکوم شود. ولی بیوهه است اگر ببندیشیم که با صرف محکوم کردن می توان امثال جنده الله را از اسیر کشی بازداشت. اسیر کش اعظم جمهوری اسلامی است که هر چه بخواهد می تواند اسیر بگیرد و هر تعداد از آن را که اراده نماید سر به نیست می کند و برای این کار خود حد و مرزی نمی شناسد. علاوه بر این، سیاست خشونت بار جمهوری اسلامی است که جنده الله ها را می سازد و آنها را در بین «قبیله» خود محبوب می کند. هر اعدام انتقامی، بذرا انتقامجویی را در بین کسانی که نسبت به قربانی احساس همدردی می کنند بیشتر می پرا کند و آنان را به سوی نیروهایی که انتقام را تبلیغ می کنند سوق می دهد. از این رو، برای شکستن این دور باطل خشونت تنها سراف حلقه های ضعیف تر رفتن دردی را در دوا نمی کند. تا خشونت حکومتی هست و تا ندای آزادیخواهانه مردم با سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داده می شود، و تا حکومت هیچ ابایی از اسیر کشی ندارد، پیدایش گروه هایی مانند جنده الله کسی را شگفت زده نمیکنند. جمهوری اسلامی وقتی دو سال و اندی پیش حجت الاسلام نکونام را به استان سیستان- بلوچستان فرستاد تا دادگاه ویژه در آنجا برپا کند و خلخالی وار با دست باز هر که را خواست بگیرد و ببندد و بکشد عملاً نشان داد که برای پاسخگویی به مشکلات و محرومیت های مردم بلوچ راهی بهتر از خشونت نمی شناسد. نتیجه امر هم روشن است. علاوه موج وسیع دستگیری ها و شکنجه ها و اعدام ها در این مدت، خشونت در آن منطقه بیشتر شده و کمتر نشده است و قربانیان آن بیشتر از مردم عادی بوده اند. از یک سو، رژیم جمهوری اسلامی نصرالله شنبه زهی را در فاصله پنج روز از یک انفجار به اتهام دست داشتن در آن به دار می آویزد و اکنون یعقوب مهرنهاد را می کشد، و از سوی دیگر جنده الله سربازان عادی را سر به نیست می کند. یکی به انتقام دیگری، به سختی می توان گفت که کدامین فاجعه بارتر است. کشتن انسان، هر انسانی، آن هم وقتی اسیر باشد و بی دفاع، وحشتناک است و برای بازماندهگان و کسانی که او را عزیز می داشتند دردناک و مصیبت بار. و کشندگان، هر که باشند، با این کار جز پاشیدن نخم نفرت و خشونت کاری انجام نداده اند. یکی از اولین و ابتدایی ترین وظیفه های یک حکومت تلاش برای کاهش خشونت و جنایت در جامعه و تأمین امنیت شهروندان آن است. ولی اگر در جامعه ای خود حکومت بزرگترین آدم کش و شکنجه گر و انتقام گیر و اسیر کش باشد نام آن را چه می شود گذاشت؟ اگر خود حکومت با سیاست هایش به گسترش فرهنگ خشونت دامن بزند چگونه می توان در آن جامعه انتظار امنیت داشت؟ اگر حکومتی افتخار دریافت لقب آخرین و بزرگترین کشنده کودکان در جهان را کسب کرد، چه امنیتی برای کودکان آن جامعه باقی می ماند؟ اگر حکومتی بزرگترین اسیر کش (اعدام کننده) جهان به لحاظ سرانه مردم کشورش شد درباره آن حکومت چه می توان گفت؟ اگر حکومتی آن قدر زبون و عاجز است که در برابر حملات کوچک ترین «گروهک» های مسلح به انتقام جویی قبیله ای دست می زند و اسیران کرد و عرب و بلوچ را به تلافی فعالیت مخالفان خود در این مناطق می کشد، چگونه می توان انتظار آرامش در این مناطق را داشت؟ آمار خشونت در جامعه ایران در دوران حیات جمهوری اسلامی به شدت بالا رفته است، و تا هنگامی که فلسفه قصاص (قبیله ای) بر این رژیم حکومت می کند و دست حکومت در اسیر کشی (اعدام) باز است، موج افسارگسیخته خشونت در این جامعه مهار نخواهد شد.

استفاده از حربه اعدام به عنوان انتقام، در متن فلسفه سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی خوابیده است. بی دلیل نیست که جمهوری اسلامی قانون قصاص را مقدس می شمارد و هر کس را که به آن تعریض بکند مرتد و مهدور الدم می شناسد. علاوه بر این، رژیم گرچه برای شهروندان خود تعبیر ساده «قاتل در برابر مقتول» از قصاص را معتبر می شمارد، خود تعبیر وسیع تر آن را که از عبارت قرآنی «جان در برابر جان» برمی آید اتخاذ کرده است. این تعبیر از قصاص، به دوران بسیار پیش تر از اسلام بر می گردد و عدالت قبیله ای را بیان می کند. با کشته شدن یک فرد، قبیله کسی را از دست داده است. قصاص می گوید که قبیله مقابل باید دردی مشابه را تحمل کند و از این رو باید کسی از آن کشته شود. اگر قبیله خاطی، قاتل را به این منظور تسلیم کند نتیجه حاصل شده است. در غیر این صورت، قبیله ای که صدمه دیده به خود حق می دهد که هر فرد دیگری از قبیله مقابل را که دسترسی به آن پیدا کند به انتقام بکشد. جان در برابر جان (به تصریح قرآن)، و نه الزاماً قاتل در برابر مقتول. و به این ترتیب، عدالت قبیله ای دوران وحشیت بشریت در متن فلسفه سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی قرار می گیرد و دور باطل خشونت در ایران اوج می گیرد. رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خشن حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی مردم، مخالفان خود را به اعمال خشونت سوق می دهد. سپس تا آنجا که بتواند سعی دارد با خشونت آنان را سرکوب کند. اگر دستش به آنان نرسد، به جان هواداران آنان می افتد. اگر این هم نتیجه نداد، هر کس را که به نحوی بتوان به آنان نسبت داد قربانی می کند. اکثریت بسیار بزرگ اعدام ها در جمهوری اسلامی انتقام جوانه بوده است. نیروهایی به مخالفت با رژیم بر می خیزند. رژیم از دسترسی به رهبران و فعالان آن عاجز است و نمی تواند آنان را سرکوب کند. به جان هواداران آنها می افتد. این کار را در دهه شست به شدت دنبال کرد. در سال ۶۷ نیز هزاران اسیر را به انتقام حمله مجاهدین سر به نیست کرد. برای رژیم مهم نبود که این اسیران در حمله مجاهدین کوچکترین نقشی نداشتند. در این انتقام جویی ها، رژیم برای خود حد و مرزی هم نمی شناسد، و به خود حق می دهد در برابر هر ضربه ای که می خورد ده ها و صدها برابر آن را بر حریف وارد کند. یعنی کاری که حتی از عدالت قبیله ای دوران وحشیت بشریت نیز فرسنگ ها به دور است. هم اکنون نیز که خشونت های سالهای شصت کاهش یافته و از اعدام های هزارانه آن سالها خبری نیست. معذالک در برابر خشونت های محدودی که در سالهای اخیر در خوزستان و کردستان و سیستان- بلوچستان رخ داده، رژیم به اسیر کشی های فراوانی در آن مناطق دست زده است. دهها زندانی کرد و بلوچ و عربی که در سالهای اخیر به زندان افتاده اند و برخی از آنان محکوم به اعدام شده اند در واقع گروه های هستند که رژیم برای فشار بر گروه های مخالف خود در این مناطق به کار گرفته است. رژیم برایش مهم نیست که فرزند کمانگر چه کرده است، مهم این است که او یک گد است و از طریق دستگیری و تهدید به اعدام او می تواند بر نیروهای سیاسی گرد فشار وارد کند. کافی است نیروهای کرد در این منطقه به یک عمل سیاسی دست بزنند، و رژیم اگر نتواند آن را خنثی کند، و یا اگر این کار شکل خشونت بار به خود بگیرد، بدون تردید رژیم انتقام خود را از اسیران زندانی خواهد گرفت. همینطور، رژیم طاهرا برای این که جنده الله را از فعالیت باز دارد و مانع اسیر کشی از طرف او شود خود به عمل متقابل اسیر کشی دست می زند. سربازان بیچاره ای که به جنگ جنده الله افتاده اند تنها به این دلیل که به «قبیله» رژیم تعلق دارند باید انتقام اسیر کشی های رژیم در سیستان و بلوچستان را بپردازند و مهرنهاد نیز صرفاً به این دلیل که یک روشنفکر بلوچ است همراه با طاهری باید انتقام اسیر کشی جنده الله را پس می دادند. و به این ترتیب، دور و تسلسل

مدرسه فارسی اندیشه

مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا



مدرسه فارسی اندیشه ارائه دهنده دوره های فارسی و دینی در مقاطع کودکستان، آمادگی و کلاس های اول تا ششم می باشد. همچنین کلاس های تطبیقی برای غیر فارسی زبانان در سنین نوجوان و بزرگسالان برگزار می شود، با برنامه های تفریحی، شامل جشن های فرهنگی، ملی و مذهبی.

مدرسه فارسی اندیشه با کادری با تجربه و دلسوز شامل امکانات آموزشی و تفریحی از جمله زمین بازی، امکانات ورزشی، قهوه خانه و کتابخانه، آماده خدمت به شما عزیزان می باشد.

ثبت نام کلاس ها برای ترم اول، ششم سپتامبر از ساعت ۱۰ صبح الی ۱ بعد از ظهر شروع کلاس ها سیزده سپتامبر

محل کلاس ها هر شنبه از ساعت ۹:۳۰ صبح در مرکز اسلامی شمال کالیفرنیا برگزار می شود.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۷۶۰۰-۸۳۲-۵۱۰ تماس بگیرید

و یا به سایت www.iccnc.org مراجعه نمایید.

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

Arpan Electric

انجام کلیه امور الکتریکی زیر نظر کادر با تجربه

با مدیریت: مهندس بهروز باقری

- ✓ روشنائی منازل و محل کار
- ✓ نصب آلارم و سیستم سکیوریتی
- ✓ تعویض سیستم قدیمی
- ✓ تعویض سیم کشی های قدیمی به جدید
- ✓ تعمیرات کلی و جزئی
- ✓ Repair Service
- ✓ Alarm Security Service
- ✓ Commercial & Residential Lighting
- ✓ Indoor & Outdoor Lighting
- ✓ Rewiring
- ✓ All Lighting
- ✓ Breaker & Fuses
- ✓ Home/Building Inspection
- ✓ Installing New Panel & Repairs
- ✓ Wire Test & Repair Equipment

۷ روز هفته، ۲۴ ساعته در خدمت هموطنان عزیز

(925)705-0595

Fax: (925)609-7182 • www.Arpanelectric.com • 24 Hours & 7 Days available